

« شهید سید محمد حسینی بهشتی، امام جماعت مسجد مجتمع اسلامی هامبورگ، در آلمان »

آیه‌الله دکتر سید محمد حسینی بهشتی در دوم آبان ۱۳۰۷ هـ ش در شهر اصفهان و در خانواده‌های روحانی به دنیا آمد. در آن زمان، اوضاع سیاسی، اجتماعی ایران متأثر از حکومت دیکتاتوری رضاخانی بود. پدرش فضل‌الله حسینی بهشتی فرزند محمد هاشم و مادرش معصومه بیگم، فرزند حاج میر محمد صادق خاتون آبادی بود.

خاندان سید محمد حسینی بهشتی از سلسله‌ی جلیله‌ی روحانیت و علمای دینی بودند. پدر بزرگ او «میر محمد صادق خاتون آبادی» نوه‌ی «میر سید ابوالقاسم مدرس خاتون آبادی» از مدرسان مدرسه چهار باغ اصفهان و از شاگردان «آقا محمد بیدآبادی، ملا اسماعیل خواجه‌ی، حاج سید مهدی بحر العلوم و آقا حسین خوانساری» بود و آثار و تألیفات متعددی چون: تعلیقات بر کتاب کافی، من لایحضره الفقیه، تهذیب، استبصار و تفسیر قرآن، از او بر جای مانده است. این خانواده روحانی افزون بر سید محمد، دارای دو دختر به نام بتول و زینب‌السادات بودند.

سید محمد حسینی بهشتی در اردیبهشت سال ۱۳۳۱ در ۲۴ سالگی، با دختری از بستگان خویش ازدواج کرد. حاصل این ازدواج چهار فرزند بود. دو دختر به نام‌های ملوک‌السادات و فخرالسادات و دو پسر به نام‌های سید محمدرضا و سید علی‌رضا.

آیه‌الله بهشتی تحصیل خویش را در چهار سالگی از مکتب‌خانه آغاز کرد. پس از فراگیری قرآن در مکتب‌خانه و کسب موفقیت در خواندن و نوشتن، راهی دبستان شد و در دبستان دولتی «ثروت» که بعدها ۱۵ بهمن نام گرفت، ثبت نام نمود و تحصیلات ابتدایی را در همین مدرسه به پایان رسانید. پایه اول و دوم متوسطه را در دبیرستان «سعدی» گذراند و سپس به حوزه‌ی علمیه رفت.

شهید بهشتی، تحصیلات حوزوی خود را از سال ۱۳۲۱ در «مدرسه‌ی اسلامی صدر اصفهان» آغاز کرد. ادبیات عرب، منطق و کلام و سطوح فقه و اصول را به سرعت پشت سر گذاشت.

در سال ۱۳۲۵ در حالی که هیجده سال بیشتر نداشت، وارد حوزه علمیه قم شد و در «مدرسه حجتیه» اقامت گزید. حدود شش ماه دروس ناتمام سطح، مکاسب و کفایه را تکمیل و از اوایل سال ۱۳۲۶ درس خارج را آغاز کرد و از محضر استادانی برجسته بهره برد. خارج فقه و اصول را نزد امام خمینی، حضرت آیه‌الله بروجردی و آیه‌الله محقق داماد و زمان محدودی را هم نزد آیه‌الله العظمی سید محمد تقی خوانساری و آیه‌الله حجت کوه‌کمره‌ای و مقداری از کفایه را نزد آیه‌الله حاج شیخ مرتضی حائری فرزند حاج شیخ عبدالکریم موسس حوزه گذراند.

پس از اخذ دیپلم، برای گرفتن مدرک لیسانس وارد دانشکده‌ی معقول و منقول گردید و در سال ۱۳۳۰ فارغ‌التحصیل

شد، سپس به قم بازگشت و در دبیرستان حکیم نظامی قم به تدریس زبان انگلیسی پرداخت.

دکتر بهشتی در سال ۱۳۳۱ و در راستای تقویت اندیشه و تمایلات مذهبی در جوانان، مدرسه دین و دانش را در قم بنیان نهاد و خود مسئولیت آن را تا سال ۱۳۴۲ بر عهده داشت.

از سال ۱۳۲۵ تا ۱۳۳۸ دوره‌ی دکترای فلسفه را گذراند و در سال ۱۳۴۸ موفق به اخذ درجه‌ی دکتری در رشته‌ی الهیات و فلسفه شد.

از سال ۱۳۳۹ به فکر سازمان دادن حوزه علمیه و تنظیم برنامه تحصیلات آن افتاد که حاصل آن تأسیس مدرسه حقانی و منتظریه شد. در سال ۱۳۴۱ هم اقدام به تشکیل کانون اسلامی دانش آموزان و فرهنگیان کرد، که اقدامی در جهت پیوند بین تحصیل کرده‌های جدید و قدیم شمرده می‌شد.

در مبارزات سال‌های ۴۱ و ۴۲ شرکتی فعال داشت، سپس به تهران آمد و در برنامه‌ریزی جهت تدوین کتب درسی با شهید باهنر همکاری نزدیک داشت و در همین سال با گروه‌های مبارز هیئت‌های مؤتلفه همکاری فعال داشت و در شورای چهار نفری تحت عنوان شورای فقهی - سیاسی با همکاری شهید مطهری آقایان انواری و مولائی شرکت می‌کرد.

در سال ۱۳۴۲ با پیشنهاد و درخواست آیه‌الله حائری و آیه‌الله میلانی به هامبورگ رفت و سرپرستی مسجد آن و تشکل مذهبی جوانان را برعهده گرفت که این سفر تا سال ۱۳۴۹ ادامه یافت. در این فاصله مسافرت‌هایی به عربستان سعودی و سوریه کرد و برای دیدن امام موسی صدر به لبنان و ترکیه رفت و در سال ۱۳۴۸ به منظور زیارت امام خمینی سفری به عراق داشت.

در سال ۱۳۴۹ به ایران بازگشت و چون امکان سفر مجددش به آلمان نبود، در تهران جلسات درس و تفسیر را شروع کرد و به بررسی کتاب‌های درسی پرداخت و این کار را تا سال ۱۳۵۵ ادامه داد. سپس جلسات تفسیر قرآن را به عنوان مکتب قرآن، در روزهای شنبه تشکیل داد که مجمع جوانان فعال بود. در سال ۱۳۵۴ به علت جلسات و روابط با ارگان‌های مبارز و فعال خارج از کشور توسط ساواک دستگیر و پس از مدتی آزاد شد. در سال ۱۳۵۷ نیز چند روزی دستگیر و سپس آزاد شد و پس از آزادی به پاریس نزد امام خمینی رفت. ایشان در ترسیم خط و مشی انقلاب نقشی اساسی داشت و از سال ۱۳۵۷ به فرمان امام، شورای انقلاب را تشکیل داد و تا پیروزی انقلاب فعالیت کرد.

پس از پیروزی انقلاب در قالب مغز متفکر انقلاب اسلامی عمل کرد و حزب جمهوری اسلامی را بنیان نهاد، در انتخابات مجلس خبرگان شرکت داشت و به سمت نایب رئیس مجلس خبرگان انتخاب شد و قانون اساسی را تنظیم و تدوین کرد.

شهید بهشتی پس از استعفای دولت موقت، در سال ۱۳۵۸ مدتی در سمت وزیر دادگستری ادای وظیفه کرد و سپس از طرف امام خمینی به عنوان رئیس دیوان عالی کشور منصوب شد.

مدتی در این سمت ادای وظیفه کرد تا سرانجام در شامگاه هفتم تیرماه ۱۳۶۰ پس از نماز مغرب و عشا و در حین سخنرانی در سالن حزب جمهوری بر اثر انفجار بمبی که به دست منافقین در آنجا کار گذاشته شده بود به همراه ۷۲ تن از دوستان هم‌رزمش به شهادت رسید و در میان اشک و آه و تأثر میلیون‌ها تن در آرامگاه بهشت زهرا به خاک سپرده شد. روانش شاد و راهش پر رهرو باد. امام خمینی به همین مناسبت پیامی فرستادند:

بسم الله الرحمن الرحيم

«انا لله و انا اليه راجعون. مکتبی که برای اقامه عدل اسلامی و اجرای احکام قرآن مجید و کوتاه کردن دست جنایتکاران ابرقدرت و زیستن با استقلال و آزادی قیام نموده است، خود را برای شهادت و شهید دادن آماده نموده است و به خود باکی راه نمی‌دهد که دست جنایت ابرقدرت‌ها از آستین مشتی جنایتکار حرفه‌ای بیرون آید و بهترین فرزندان راستین او را به شهادت برساند. مگر شهادت ارثی نیست که از سلف صالح ما که حیات را عقیده و جهاد می‌دانستند و در راه مکتب پر افتخار اسلام با خون خود و جوانان عزیز خود از آن پاسداری می‌کردند به ملت شهیدپرور ما رسیده است...»

ملت ایران در این فاجعه بزرگ ۷۲ تن بی‌گناه به‌عدد شهدای کربلا را از دست داد...»

این جانب بار دیگر این ضایعه عظیم را به حضور بقیه‌الله ارواحنا له الفدا و ملت‌های مظلوم جهان و ملت رزمنده ایران تبریک و تسلیت عرض می‌کنم. من خود را با بازماندگان شریف و عزیز این شهدا در غم و سوگ شریک می‌دانم...».

منبع: مرکز رسیدگی به امور مساجد